

دکتر همایون الهی*

کمک‌های خارجی: برای توسعه یا علیه توسعه^(۱)

مقدمه

گسترده‌گی و پراکندگی مفهوم و معنای کمک، به تنوع و پیچیدگی خود جوامع انسانی است. این مفاهیم و معانی در طول تاریخ بشر تحولات بسیاری را به خود دیده است؛ به طوری که کمک به حفظ امنیت فردی انسان اولیه، تا کمک با هدف حفظ و تداوم سلطه قدرتهای بزرگ تغییر شکل و ماهیت داده است. اما محدوده بحث این مقاله کمک‌های خارجی بعد از جنگ جهانی دوم می‌باشد. کمک خارجی در این مفهوم عبارت است از انتقال سرمایه و دارایی از یک کشور غنی به کشور نیازمند. در این رابطه هرچند دهنده کمک ممکن است یک دولت، بنگاه خصوصی و یا بین‌المللی باشد، ولی گیرنده کمک، به طور عام دولتها هستند.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱- مقاله حاضر با توجه به نتایج تحقیقی که تحت عنوان، «آثار سیاسی کمک‌های خارجی» در دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲ به انجام رسیده، تهیه و تدوین شده است.

کمک خارجی چیست؟

در این خصوص که اصولاً چه چیزی «کمک» محسوب می‌شود، تفاوت برداشت وجود دارد:

۱- دولتهای دهنده کمک تقریباً هرگونه هزینه‌ای را که برای کشور دیگر می‌کنند - جدا از اهداف و علل این هزینه‌ها - در حوزه کمک قرار می‌دهند. از جمله، کلیه کمکهای اقتصادی و نظامی (بلاعوض یا قابل باز پرداخت) و خالص وامهای دراز مدت، سرمایه‌گذاریهای خصوصی، اعتبارات صادراتی (حتی اگر کوتاه مدت باشد) و همچنین کمکهای تکنیکی و اضطراری (نظیر کمک غذایی به هنگام قحطی و غیره) و سهام خود در مؤسسات چندجانبه کمک را نیز جزو کمک می‌آورند. آنها حتی هزینه‌هایی را که با اهداف گسترش نفوذ سیاسی، فرهنگی و نظامی خود، در کشور دیگر می‌نمایند، نیز کمک تلقی می‌کنند.^(۲)

۲- در تعریف سازمان ملل متحد از کمکهای خارجی محدودیت بیشتری به چشم می‌خورد؛ طبق این تعریف فقط کمکهای اقتصادی به عنوان کمک قابل قبول است. کمکهای اقتصادی نیز در اینجا فقط شامل کمکهای بلاعوض و خالص وامهای دراز مدت که به منظور هزینه کردن در حوزه غیرنظامی به وسیله دولتها یا تشکیلات بین‌المللی پرداخت می‌شود، می‌گردد.

اشکال مختلف کمک

۱- از نظر محتوی، کمکها ممکن است دارای یکی از خصوصیات زیر باشند:

الف - بلاعوض: کمک بلاعوض شامل کمکهایی است که گیرنده آن را باز پس نمی‌دهد. مهمترین این کمکها، پرداختهای مربوط به کمکهای اضطراری به هنگام وقوع اتفاقات طبیعی نظیر زلزله و غرامتهای جنگی و نظایر آن می‌باشد. کمکهای بلاعوض درصد بسیار کمی از کل کمکهای خارجی را در بر می‌گیرد.

2- John White, *The Politics of Foreign Aid* (London: The Blodley Head Ltd, 1974), pp. 44- 45.

- ب - وام: شامل کمکهایی است که گیرنده باید طی مدّت تعیین شده، همراه بهره باز پرداخت کند. درصد بسیاری زیادی از کمکه‌های خارجی را وام تشکیل می‌دهد.^(۳)
- ۲- از نظر کانال‌های پرداخت‌کننده، کمکه‌ها به دو صورت هستند:
- الف - چندجانبه: کمکهایی که مسئولیت آنها به عهده مؤسسات بین‌المللی^(۴) باشد، به طور عام به عنوان کمکه‌های چندجانبه^(۵) شناخته می‌شوند و مؤسسات اجرایی آنها هم معمولاً تحت عنوان مؤسسات چندجانبه شناخته می‌شوند.
- ب - دوجانبه: آن گروه از کمکهایی که مستقیماً بین دو یا چند دولت مبادله می‌شوند، کمکه‌های دوجانبه^(۶) خوانده می‌شوند.
- ۳- از نظر نوع تخصیص هم، کمکه‌ها ممکن است تفاوت داشته باشند:
- الف - کمکه‌های پروژه‌ای^(۷): اگر کمک با هدف حمایت از فعالیت سرمایه‌گذاری معینی در کشور گیرنده پرداخت شود، در این صورت آن را کمک پروژه‌ای می‌نامند.
- ب - کمکه‌های برنامه‌ای^(۸): هرگاه هدف کمک، حمایت از برنامه کلی توسعه یک کشور باشد، در آن صورت به عنوان کمک برنامه‌ای شناخته می‌شود.
- ۴- کمکه‌ها از نظر اهداف مصرف نیز متفاوت هستند.
- الف - کمکه‌های اقتصادی: کمکهایی که با هدف اعلام شده اقتصادی پرداخت می‌شوند، در این گروه قرار دارند؛ هرچند معمولاً اهداف اقتصادی ممکن است پوششی برای اهداف سیاسی، فرهنگی و یا نظامی باشند.
- ب - کمکه‌های نظامی: جدا از کمکه‌های نظامی، دولتها معمولاً کمکه‌های امنیتی و

3- John White, *op. cit*, p.146.

4- International Agencies.

5- Multilateral Aid.

6- Bilateral Aid.

7- Project Aid

8- Program Aid.

حتی نظامی خود را تحت عناوین قابل قبول دیگری عرضه می‌کنند.^(۹)

۵- کمکها ممکن است از نظر نوع دهنده کمک متفاوت باشند:

- الف - کمکهای دولتی:** کمکهای دولتی (رسمی) شامل کلیه منابعی می‌شود که توسط دولت‌های مرکزی، مؤسسات پولی مرکزی، دولت‌های محلی و سازمان‌های معین دولت‌های مرکزی یا سازمان‌های معین دولت‌های محلی کشورهای دهنده کمک، به‌طور مستقیم و یا از طریق مؤسسات چندجانبه، به کشور دیگر پرداخت می‌شود.^(۱۰)
- ب - کمکهای خصوصی:** سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، وام‌های دراز مدت و اعتبارات تجاری و سرمایه‌گذاری‌های گوناگون نظیر خرید سهام و غیره جزو کمکهای خصوصی می‌باشد.^(۱۱)

توجیه کمک خارجی

در ساده‌ترین سطح، معمولاً مبنای توجیه کمکهای خارجی این اصل است که کمک در واقع تأمین‌کننده کمبود پس‌انداز خارجی است. بنابراین اگر کمک خارجی در راه سرمایه‌گذاری داخلی بکار رود، طبق یک مدل ساده انباشت سرمایه، کمک می‌تواند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

9- George Liska, *The New Statecraft, Foreign Aid in American Foreign Policy* (Chicago: The University of Chicago Press, 1960), p. 95

-Nicholas N. Eberstadt, *Foreign Aid and American Purpose*, (Washington: The American Enterprise Institute for Public Policy Research, 1988), p. 31

10- John White, *op. cit*, p. 45.

- OECD, *The Flow of Financial Resources to Less - Developed Countries*, 1961- 1965, pp. 167-173.

- E. R. Morss & V. A. Morss, *U. S. Foreihn Aid* (Colorado: Westview Press, 1982), p. 7.

11- OECD, *Ibid*.

موجب رشد و توسعه اقتصادی شود.^(۱۲) حتی در مواردی که کمبود ارز خارجی به عنوان سدی در مقابل رشد و توسعه اقتصادی است، کمک خارجی می‌تواند این کمبود را جبران کرده، واردات کالاهای سرمایه‌ای را ممکن گرداند.^(۱۳) به عبارتی ساده‌تر، بعد از جنگ جهانی دوم و استقلال بخش اعظم مستعمرات، وقتی فقر بیش از اندازه مستعمرات تازه استقلال یافته که نتیجه طولانی استثمار این سرزمینها توسط استعمارگران بود، بر ملا شد، کشورهای استعمارگر به منظور یافتن راهی جدید برای بازگشت به این سرزمینها و رفع مسئولیت بوجود آمدن این وضع از خود، به ارائه تئوریهای متعددی در بیان علل این به اصطلاح «عقب ماندگی» پرداختند. در میان توجیحات اقتصادی، از جمله به «دور باطل» یا «دور شیطانی» استناد شده است؛ چنانچه نرکسی^(۱۴) از دور باطل «تراکم کار و سرمایه» سخن می‌گوید. وی معتقد است که در کشورهای کمتر توسعه یافته به علت پایین بودن حجم پس انداز، سرمایه گذاری کمتری انجام می‌شود و این امر منتهی به تولید کمتر، درآمد کمتر و در نتیجه توان پس انداز کمتر می‌گردد. سپس چنین بحث می‌شود که اگر در این دور، یکی از حلقه‌ها بهبود یابد، سایر حلقه‌ها نیز بهبود می‌یابند. به عبارت دیگر، اگر با ورود کمک خارجی کمبود پس انداز بهبود یابد، نتیجه آن خواهد شد که سرمایه گذاری و تولید بیشتر شود و از حاصل آن، درآمد و سپس پس انداز نیز افزایش یابد و این دور تسلسل همچنان تا بهبود کامل

۱۲- پاسکال آرنو، بدهی جهان سوم، ترجمه همایون پورحمیدی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷)، ص ۳۴.
- ریچارد تی. گیل، توسعه اقتصادی: گذشته و حال، ترجمه محمود نبی زاده، (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۶)، ص ۱۸۸.

۱۳- در خصوص آثار و نتایج این مسئله، ضمن سایر منابع، به دو کتاب زیر مراجعه شود:
همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، (چاپ دوم، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲).
اسیت داتا، تجارت بین المللی و گرسنگی جهانی، ترجمه همایون الهی (چاپ دوم، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲).

وضعیت اقتصادی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی مطلوب ادامه یابد. (۱۵)
 بر اساس این توجیه، «کمک خارجی» همانگونه که گفته شد، می تواند کمبود
 پس انداز داخلی را جبران و موجب رشد و توسعه اقتصادی شود. (۱۶)

آیا کمک خارجی موجب توسعه می شود؟

هرچند در تئوری، ظاهراً کمک خارجی باید موجب توسعه اقتصادی کشور گیرنده
 شود، اما در عمل نتیجه کمک کاملاً متفاوت است. رنه دومون^(۱۷) فرانسوی می نویسد:
 همان کلمه «کمک» گلویم را می فشارد. به عوض اینکه از «کمک» صحبت کنند، باید
 هدف خود را قطع استثمار و چپاول جهان سوم قرار دهند؛ زیرا به علت استمرار چپاول
 است که هر روز کشورهای جهان سوم فقیرتر شده، نیاز بیشتری به کمک پیدا
 می کنند. (۱۸)

آنچه در این بحث مهم است، این است که «کمک خارجی» که از کشورهای صنعتی به
 کشورهای غیرصنعتی و کمتر توسعه یافته وارد می شود، ظاهراً با این نیت و خواست و
 هدف پرداخت می شود که موجب توسعه اقتصادی این کشورها شود. در خود این هدف
 تناقض وجود دارد؛ زیرا حداقل از آغاز انقلاب صنعتی، کشورهای صنعتی سعی
 کرده اند، شرایطی را به کشورهای دیگر تحمیل کنند که آنها بتوانند دو وظیفه اساسی را
 در رابطه با کشورهای صنعتی ایفاء نمایند. (۱۹) یعنی، از یک طرف به صورت تولیدکننده

۱۵- امپریالیسم و عقب ماندگی، همان، ص ۲۴.

- نرکسی، مسئله تشکیل سرمایه در کشورهای توسعه نیافته، دانشگاه آکسفورد، ۱۹۵۵ صفحه ۵
 چاپ انگلیسی به نقل از: ک. ایوانوف، ملت های فقیر و ثروتمند، ترجمه نعمت الله تقوی (تبریز: ۱۳۵۷)،
 صص ۳۸-۳۷.

16- E. R. Morss & V. A. Morss, *op. cit*, p. 20.

17- René Dumont.

18- In: Ceres, *FAO- Review*, Vol. 3, Nr. 1. January- February- 1970.

۱۹- مهمترین این شرایط عبارتند از: سوق دادن این کشورها به سوی تک محصولی شدن، تولیدکننده

مواد خام (صنعتی و کشاورزی) مورد نیاز جوامع صنعتی درآیند و از سوی دیگر به صورت بازار مصرف کالاهای کارخانه‌ای این کشورها عمل کنند. تداوم رونق اقتصادی کشورهای صنعتی، به ادامه این دو اصل بستگی تام دارد. حال سؤال اساسی آن است که چرا کشورهای صنعتی باید به کشورهای کمتر توسعه‌یافته کمک اقتصادی بدهند تا این کشورها توسعه پیدا کنند و از نتیجه این توسعه، اولاً مصرف‌کننده مواد خامی شوند که مورد نیاز کشورهای صنعتی است و ثانیاً با گسترش تولید داخلی، نه تنها دیگر واردکننده کالاهای کارخانه‌ای نباشند، بلکه با توجه به مواد خام و نیروی کار ارزان در سطح جهانی، رقیبی برای کشورهای صنعتی شوند؟^(۲۰)

بخصوص، تضاد بین منافع اقتصادی و سیاسی و امنیتی کشورهای صنعتی، و توسعه و پیشرفت کشورهای کمتر توسعه‌یافته وقتی بیشتر مشهود می‌شود که در نظر بگیریم هرگاه این کشورها اقدامات اساسی در جهت هموار کردن راه توسعه خود را پیش می‌گیرند (نظیر ملی کردن سرمایه‌های خارجی، کاهش واردات، عادلانه کردن بهای مواد خام اولیه و یا ایجاد طرح‌های بهبود صنعت و کشاورزی)، همیشه با عکس‌العمل شدید دولتهای صنعتی تا حدّ تحریم، بایکوت و حتی حمله نظامی روبه‌رو هستند. بنابراین آیا این کشورها واقعاً با به اصطلاح کمک‌های خود، توسعه و پیشرفت کشورهای گیرنده را در نظر دارند.^(۲۱)

مواد خام، مصرف‌کننده کالاهای کارخانه‌ای و غیره.

20- Guy- Willy Smeltz, *L'Economic du tiers monde*, (Paris, 1965)/ p. 59, in: *De Kapitalismus im Weltsystem*, Ellen Brun/ Jacques Hersh/ Fisher, Frankfurt am Main, 1975, p. 97.

۲۱- تنها، ملاحظه افزایش روزافزون حجم بدهی کشورهای درحال توسعه مؤید این امر است. برای

مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Dieter Boris (Hg.), *Schuldenkrise und Dritte Welt*, Pahl-Rugenstein Köln, 1987.

- E. Altvater/ K. Huebner/ *Die Armut der Nationen*, Rot Buch Verlage

اهداف و انگیزه‌های کمک خارجی

با وجود این تناقض آشکار بین توسعه واقعی کشورهای در حال توسعه و حفظ موقعیت و امتیازات جاری کشورهای صنعتی که در رابطه با «کمک» وجود دارد، از همان ابتدا کشورهای صنعتی موفق شده‌اند که تصویر دیگری در ذهن مردم ایجاد کنند، به طوری که هر کجا کلمه «کمک» می‌آید، ناگهان تمام زبانها از انتقادات باز می‌ماند. اما این امر مانع از آن نیست که به اهداف و انگیزه‌های واقعی کمک خارجی توجه کنیم. شاید برخی از این اهداف مهم را بتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- کمک به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر سیاست خارجی: یکی از مهمترین اهداف اولیه «کمک»، مقابله با گسترش نفوذ شوروی و کمونیسم در اروپا و سایر کشورهای جهان بود.^(۲۲) طرح مارشال، اصل چهار ترومن و سایر تئوریه‌ها و دکترینهای کمک خارجی که همگی با لعاب بشردوستانه تزین شده‌اند، در واقع ابزاری برای تحقق اهداف دهنده کمک هستند. آقای فیتز جرالده که از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۱ مسئول کمکهای ایالات متحده امریکا بود، می‌گوید: «بسیاری ... فکر می‌کنند که این کمکها به منظور توسعه اقتصادی (کشور گیرنده) اعطا می‌شود، اما به هیچ وجه هدف این نیست ... محور اصلی و مؤثر در اعطای این کمکها ... مقابله با بحران سیاسی است ... توسعه اقتصادی، اگر در مواردی اصولاً چنین توسعه‌ای به وقوع به پیوندد، یک امر اتفاقی و یک اثر جانبی است».^(۲۳)

در همین راستا باید اضافه کرد که «کمک» به عنوان یک ابزار بسیار مهم سیاست خارجی بکار می‌رود.^(۲۴) دلیل این امر را میردال به خوبی عرضه می‌کند؛ وی معتقد است که اگر هدف از کمکهای خارجی واقعاً توسعه اقتصادی بود، می‌بایست این کمکها

Berlin; 1987.

۲۲- استفن آمبروز، روند سلطه‌گری، تاریخ سیاست خارجی امریکا ۱۹۸۳-۱۹۳۸، ترجمه احمد تابنده (تهران: آشنا، ۱۳۶۳)، صفحات متعدد.

23- *U.S News and World Report*, 25/2/1963.

24- *Die Armut der Nationen*, *Ibid*, p. 55.

به‌طور عادلانه و با توجه به ملاحظات اقتصادی بین کشورهای مختلف تقسیم می‌شد. درحالی‌که عملاً؛ ملاحظات سیاسی - نظامی در توزیع این کمک‌ها تعیین‌کننده بوده‌اند، چنانچه بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸، لائوس و ویتنام جنوبی کمک‌هایی را دریافت کردند که از نظر مقدار با مجموع کمک‌های داده شده به کشورهای بزرگی چون هند و پاکستان، فیلیپین، برمه و سیلان برابری می‌کرد. (۲۵)

در این زمینه باید گفت کمک‌های امریکا به‌طور عام بخشی از برنامه برای «امنیت متقابل» می‌باشد و بنابراین ابزاری برای سیاست خارجی امریکا است. جان اف. کندی یک‌بار گفت: «کمک خارجی ابزار و وسیله‌ای است که ایالات متحده امریکا به وسیله آن، کنترل و نفوذ خود را در سرتاسر جهان عملی می‌کند و بسیاری از کشورهای را حمایت می‌کند که در غیر این صورت سقوط کرده و به دامان کمونیستها می‌افتادند». (۲۶)

در ابعاد سیاسی کمک، باید به این نکته نیز توجه داد که کشورهای صنعتی با دادن کمک موجبات بدهکار شدن کشور گیرنده را فراهم می‌آورند. وقتی کشوری بدهکار شد، تسلط و تفوق بر آن آسان می‌گردد. از طریق بکارگیری همین شیوه است که انقلاب‌های استقلال طلبانه در کشورهای کمتر توسعه یافته، اغلب از مسیر اولیه منحرف شده، کشور انقلابی بتدریج زیر یوغ کشورهای صنعتی قرار می‌گیرد.

از کمک‌های خارجی، گاهی برای جلوگیری از نفوذ رقیب در یک کشور معین نیز استفاده می‌شود.

۲- کمک به عنوان ابزار اقتصادی: تأکید بر کمک، بر اساس ابزار سیاست خارجی، بدان معنی نیست که محرک‌های اقتصادی دهنده کمک در ارائه این کمک‌ها نقشی نداشته باشند. برای مثال در برنامه «اصل چهار» امریکا (قانون کمک امریکا به کشورهای دیگر) آمده است: «وضعیت توسعه و استفاده اقتصادی از منابع معدنی و مواد سوختی،

25- Myrdal, *Asian Drama, An Introduction into The Poverty of Nations*, (London: 1968), p. 635.

26- Harry Magdoff, *Das Zeitalter des Imperialismus* (Frankfurt: 1969), p.

مهمترین جنبه در برنامه همکاری تکنیکی برای توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است؛ زیرا منابع عظیم دست نخورده مناطقی که در این همکاری شرکت دارند، دارای اهمیت بسیار زیادی برای کشورهای صنعتی جهان و از آن جمله ایالات متحده امریکا می باشد».^(۲۷) چنین محرکهای اقتصادی، در اهداف کمک او-ای-دی-سی^(۲۸) و همچنین طرح کلمبو^(۲۹) به خوبی قابل مشاهده است.^(۳۰) در واقع از طریق ارائه این کمکها است که کشور دهنده کمک، امکان دسترسی به مواد خام و یا فرآوردههای شدیداً مورد نیاز خود را در کشور گیرنده ممکن می کند و یا اصولاً کشور گیرنده را به سوی تولید چنین موادی سوق می دهد (تک محصولی کردن کشور گیرنده).

همین طور در بسیاری موارد، این کمکها به عنوان کانالی هستند که از این طریق وابستگی دولت گیرنده را به دولت دهنده بوجود می آورد و یا استمرار می بخشد و تحت تأثیر این وابستگی، نیازهای کشور دهنده به مواد خام و مواد تولیدی، توسط کشور گیرنده تأمین می شود.

نوع دیگر محرک اقتصادی برداشتی است که بروکمایر^(۳۱) از این کمکها دارد؛ وی به این نتیجه می رسد که از طریق پرداخت کمکهای خارجی، کشورهای صنعتی «بیکاری را در جوامع خود رفع کرده، زندگی بهتری را برای مردم کشورهای در حال توسعه مهیا می کنند».^(۳۲) در بعد اقتصادی، توجه به این نکته نیز ضروری است که اصولاً بخش اعظم کمکها و گاهی حتی مازاد بر آن، به صورت بهره و هزینه وام به کشور کمک دهنده

27- *United States Department of State, Point Four, cooperative Program for Aid in the Development of the Economically Underdeveloped Areas*, Washington, 1949.

28- Organization for European Economic Co-Operation (OECD).

29- Colombo - Plans.

30- Paul a. Baran, *Politische Ökonomie der Wirtschaftliche Wachstum* (Neuwied; 1966), s. 317.

31- broekmeijer.

32- Ernest Mandel, *Marxistische Wirtschafts theorie*, (Frankfurt; 1968), p. 58.

باز می‌گردد. (۳۳)

۳- محرکهای تجاری کمک: یکی از شایع‌ترین هدفهای دهندگان کمک، گسترش منافع تجاری است. (۳۴) این کمکها:

- قدرت خرید کشور گیرنده را افزایش داده، در نتیجه تقاضا برای تولیدات و خدمات وارداتی را بالا می‌برد.

- بر روند توسعه کشور گیرنده تأثیر گذارده و آن را چنان جهت می‌دهد که مصرف‌گرایی و نیاز به واردات استمرار و افزایش یابد.

- تولیدات داخلی کشور گیرنده کمک را چنان جهت می‌دهد که نیازهای کشور دهنده کمک به مواد اولیه و نظایر آن تأمین شود. (۳۵)

- شالوده‌وابستگی اقتصادی و تجاری دراز مدت را بنا می‌نهند.

برای رسیدن به این اهداف، معمولاً کمکها دارای قیودی هستند که به طور عام به صورت قیود مستقیم و قیود غیر مستقیم طبقه‌بندی می‌شوند.

مهمترین قیود مستقیم عبارتند از:

- اجبار به هزینه کردن کمک در کشور دهنده کمک

- پرداخت کمک برای برنامه و پروژه خاص

- اجبار به خرید تجهیزات و خدمات معین

- سایر قیود

در تمام موارد، جهت قیود چنان است که کمکها در کشور دهنده و یا در بخشهای مورد نظر کمک‌دهنده، هزینه می‌شوند و در نتیجه به اهداف کمک‌دهنده جامه عمل

33- Die armut der Nationen, *Ibid*, p. 155.

- siegfried Pater (Hg.), *Geld für die welt*, (Göttingen; 1987), s. 64.

34- OECD, *Development Cooperation*, 1983.

۳۵- مقایسه شود با:

Diter Erich, K.- L. Huebener, *Die Strategischen Rohstoffe*, Wuppertal 1988, s.

می‌پوشانند. مثال بارز در این خصوص، کمکهای خارجی آلمان غربی است؛ این کشور در اواخر دهه ۱۹۷۰ از طریق کمک خارجی توانست حمایت از صنایع کشتی‌سازی و راه‌آهن خود را عملی کرده، با گسترش صادرات، مشکلات مالی آنها را مرتفع سازد.^(۳۶) مثال دیگر، کمک غذایی امریکا است که از طریق آن، مازاد تولید کشاورزی امریکا به سایر کشورها صادر می‌شود^(۳۷) و ضمن ایجاد رونق در بخش کشاورزی امریکا موجب کاهش تولیدات کشاورزی کشور گیرنده کمک و ایجاد وابستگی غذایی به امریکا می‌گردد.^(۳۸)

کمک‌دهندگان گاهی برای رسیدن به مقصود، از قیود غیر مستقیم استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، تأکید بر هزینه کردن کمک، برای استخدام معلمین و یا مشاورین معین که تنها از کشور دهنده کمک قابل تأمین هستند.^(۳۹) همین طور قیودی نظیر حمل کالاهای خریداری شده توسط کشتیها و یا وسایل حمل و نقل کشور دهنده کمک، یا اجبار به

36- Arnold Steven, *A Comparative Study of Five European Development Assistance Programs*. Occasional Paper in Development Assistance No. 4. Washington, D.C.: US/Aid, 1982. p. 25.

37- Paul Isenman and Hans W. Singer, "Food Aid: Disincentive Effects and their Policy Implications," *Economic Development and Cultural Change*, January 1977, pp.205-238.

38- E. J. Clay and H.W. Singer, *Food Aid and Development: The Impact and Effectiveness of Bilateral Pl - 480, Title 1- Type Assistance*. US/ AID Program Evaluation Discussion paper No. 15. Washington D.C. 1982.

- I. Miyamoto, "The Real Value of Tied Aid: The Case of Indonesia in 1967- 69" *Economic Development and Cultural Change*, April 1974, pp. 436- 452.

39- John Hendra, "Only Fit to be Tied : A comparison of the Canadian Tide aid Policy with the Tied Aid Policies of Sweden, Norway and Denemark", in: *Canadian Journal of Development* 2: 261-81, 1987.

استفاده از سیستم بیمه کشوردهنده کمک نیز از جمله این اقدامات است. علاوه بر موارد مذکور اصولاً کمک‌دهنده ممکن است بخش مهمتری از کمک خود را به آن کشوری اختصاص دهد که امکانات تجاری بیشتری را برای کشور دهنده فراهم می‌آورد.^(۴۰)

امروزه بسیاری از کمکها اصولاً به صورت اعتبارات تجاری پرداخت می‌شوند که از همان ابتدا منافع تجاری دهنده کمک را محفوظ می‌دارند. این نوع کمکها، تصمیم‌گیری گیرنده کمک را از مسیر عادی خود که می‌باید بر اساس انتخاب مناسب‌ترین طرف تجاری باشد، خارج می‌سازند و یا اصولاً سایر رقبا را - با علم به وجود چنین امتیازاتی - از ورود به میدان رقابت و عرضه کالا باز می‌دارند.

یکی از نتایج بارز این نوع برخورد با مسئله کمکها، آن است که کمک‌دهنده تمایل بسیاری دارد که کمکهای خود را به کشورهای دارای درآمد بالا پردازد. در نتیجه کمکها در پروژه‌هایی که اغلب سرمایه‌بر و متکی به واردات هستند، نظیر حمل و نقل، ارتباطات و تولید برق، هزینه می‌شوند؛ در حالیکه پروژه‌های توسعه روستاها، گسترش بهداشت و یا پروژه‌هایی که هزینه‌های زیاد داخلی دارند، مورد توجه قرار نمی‌گیرند. برای مثال، در تایلند در دهه ۱۹۸۰ بیشترین اعتبارات، مواردی چون ساخت تصفیه‌خانه‌های نفت، شرکت کود ملی، مدرنیزه کردن راه آهن و تأمین اتوبوسهای بین شهری را درحد وسیع در بر می‌گرفت.^(۴۱)

نکته قابل تأمل آن است که کمکهای دارای قیود، نوعی انحصار بوجود می‌آورد که طی آن کمک‌دهنده، کالا و خدمات خود را خیلی گران‌تر از قیمت بازار به گیرنده تحمیل می‌کند.^(۴۲) به طور مثال یک تحقیق در مورد پروژه‌های توسعه در پاکستان نشان می‌دهد

40- George Cunningham, *The Management of Aid Agencies*, (London: Overseas Development Institute, 1974).

41- J. Ball "Mixed Credits: Winners, Losers and Users", *Euromoney Trade, Finance Report*, London, 30 Oct, 1985, p. 18- 22.

42- J. Bhagwat , "The Tying of Aid" in: *Foreign Aid: Selected Readings*, ed.,

که قیمت‌های عرضه شده توسط کمک‌های دارای قیود به طور متوسط ۵۱ درصد بالاتر از قیمت‌های بین‌المللی بوده‌اند.^(۴۳) بررسی دیگری در خصوص تهیه کود نیتروژن برای هند نشان می‌دهد که قیمت‌ها و هزینه‌ها تا ۸۰ درصد گران‌تر بوده‌اند.^(۴۴) یک گزارش دیگر نشان می‌دهد که در سال ۱۹۶۹ به طور متوسط ۹۰ درصد از کمک‌های امریکا، در قالب درآمد ناشی از صادرات اضافی امریکا به کشور گیرنده کمک، در واقع به خود امریکا برگشت داده شده است.

نتیجه

اصولاً استدلال می‌شود که کمک‌های خارجی پرداخت می‌شود تا جایگزین کمبود پس‌انداز داخلی و نیاز به ارز خارجی کشور گیرنده کمک شود و از این طریق امکان سرمایه‌گذاری و در نتیجه ازدیاد تولید و نهایتاً توسعه اقتصادی ممکن گردد. در کنار توسعه اقتصادی و یا به طور همزمان، توسعه سیاسی نیز می‌تواند (و به اعتقاد برخی حتماً) انجام می‌پذیرد.

نتایج عینی نشان می‌دهد، کمک‌های خارجی که بخش اعظم آن به صورت وام بوده، فقط درصد بسیار کمی به صورت کمک‌های بلاعوض و یا کمک‌های اضطراری است؛

chapter 10, New Bruswick, Transaction books for Overseas Development council.

- Francis X. colaco, *Economic and Political Considerations and the Flow of Official Resources to Developing Countries*. (Paris: OECD/DAC, 1973).

43- Mahbub ul Haq, " Tied Credits - A Quantitative Analysis" In: *Capital Movements and Economic Development* ed. John H. Adler (N.Y. 1967), pp. 326-359.

44- N. Mc Kitterick and B.j. Middleton, *The Bankers of The Rich and the Bankers of the Poor: The Roll of export Credit in Developing Finance*, (Washington, D.C., Overseas Development council, 1972).

اصولاً بر اساس اهداف دهنده کمک تنظیم و تخصیص داده می‌شود. این اهداف ممکن است سیاسی، نظامی، اقتصادی،^(۴۵) تجاری و یا ترکیبی از این موارد باشد. در اعطای کمک، آنچه کمتر مورد نظر است، اهداف توسعه کشور گیرنده است و از آنجا که منافع سیاسی اقتصادی دهنده کمک (یعنی کشورهای صنعتی) اغلب در تضاد با برنامه‌های توسعه سیاسی و اقتصادی کشور گیرنده است، بنابراین این طبیعی به نظر می‌رسد که تجربه بیش از چهار دهه کمک، حاصلی جز افزایش حجم بدهیهای کشورهای گیرنده کمک و فقر و وابستگی شدید آنها نداشته است. کمک خارجی در وضعیت و شرایط جاری آن، در نفس خود ضد توسعه کشور گیرنده کمک است.



۴۵- برای ملاحظه درصد فرار سرمایه از کشورهای در حال توسعه در مقایسه با ورود سرمایه های

خارجی رجوع شود به:

-Hafez Sabet, *Die Schuld des Nordens*, Darmstadt: Horizonte Verlag GmbH, 1992, s. 57.

-*Third World Economic Handbook, 1989*, London: Euromonitor, p. 49.